

درس بیست و پنجم



واژگان درس

شاگرد :	التلميذ	سختگیر :	متشدد
ناهار :	الغداء	پلنگ :	النمر
نر :	الذكر	ماده :	الأنثى
مشخصات :	المعلومات	قد :	القامة
استان :	المحافظة	گوشت :	اللحم
استخوان :	العظم	طوطی :	الببغاء
آینده :	المستقبل	بلبل :	العندليب

ساختارهای گفتاری درس

درس های قبل :	دروس سابقه
خورشت فسنجان :	مرق الجوز (فسنجان)
بدون :	بلا
برخواهم گشت :	سأعود
موزه های حیات وحش :	متاحف الحيوانات
محل زندگی :	مكان السكن
بچه ها! :	يا اولاد!



مادر: من امروز برای دیدار با شاگردانم به مدرسه خواهم رفت.

محسن: ما هم می توانیم بیاییم؟

مادر: برای چه می خواهید بیایید؟

محسن: برای اینکه حسن باید فعل های نوشتن، دیدن، آمدن و رفتن را مرور کنند.

مادر: اما این فعل ها در درس های قبل گفته شده است.

حسن: مادر! ما برای مرور درس های قبل می آییم.

مادر: اشکالی ندارد، با هم خواهیم رفت.

حسن: خواهم رفت یا خواهیم رفت چه زمانی است؟

محسن: خواهم یا خواهیم رفت آینده است.

معلم: من معلم سختگیری هستم.

حسن: سختگیر یعنی چه؟

مادر: یعنی «متشدد»

حسن: جالبه مادر شما به زبان عربی صحبت کردید؟!



در موزه حیات وحش

مادر: بچه ها شما کجا می روید؟

حسن: ما به موزه حیات وحش می رویم.

حسن: بله ما به موزه حیات وحش می رویم، من فراموش کردم.

مادر: شما برای ناهار بر نخواهید گشت.

حسن: ما برای خورشت فسنجان بر خواهیم گشت.

محسن: اینجا حیات وحش دار آباد است.

حسن: حیات وحش یعنی چه؟

محسن: یعنی «حياة الحيوانات»

محسن: این یوزپلنگ است. او نر است.

حسن: فهمیدم، مذکر، مؤنث. (نر، ماده)

محسن: اینجا مشخصات این یوزپلنگ نوشته شده است.

حسن: مشخصات یعنی «معلومات»؟

محسن: بله، قد، متر، وزن ۵۷ کیلو گرم، سن، ۵ سال، محل زندگی: استان گلستان، غذا: گوشت بدون استخوان.

محسن: قفس پرندگان یا پرنده ها اینجا است.

حسن: پرنده یعنی طیور.

محسن: طوطی، بلبل و ... هستند.

۱. کجا مادر با بچه های صحبت کرد؟

۲. مادر به کجا می خواهد برود؟

۳. حسن و محسن برای چه می خواهند به مدرسه بروند؟

۴. محسن و حسن به چه موزه ای رفتند؟

۵. ناهار چه غذایی دارند؟

۶. اولین حیوانی که دیدند چه بود؟

۷. چه پرندگانی دیدند؟

۱. آیا می توانم با شما بیایم؟ (هل يمكن أن أرافقكم؟)
۲. مشخصات خود را بنویسید. (اكتبوا معلوماتكم)
۳. ببخشید فراموش کردم. (عفواً نسيْتُ)
۴. چه وقت برمی گردید؟ (متی ترجعون؟)
۵. تحصیلات شما چیست؟ (ما هي شهادتكم العلمية؟)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

پلنگ - شیر - روباه - گرگ - ببر - گربه



۳



۲



۱



۶



۵



۴

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

- | | |
|---|--|
| ۱. مادر به تک تک شاگردانش اشاره می کند. | ۶. التلاميذ يكتبون رسالةً. |
| ۲. شاگردان نامه می نویسند. | ۷. أنا أرى الشرطي. |
| ۳. من پلیس را می بینم. | ۸. هم يذهبون إلى ایران. |
| ۴. آنها به ایران می روند. | ۹. الام تشير إلى كل واحدٍ من التلاميذ. |
| ۵. تواز کارخانه می آبی. | ۱۰. أنت ترجع من المصنع. |

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. فاطمه پستیچی را می بینی. _____
۲. شما به مسافرت می روند. _____
۳. ما فراموش کردم. _____
۴. من معلم سختگیری است. _____
۵. شغل معلمی خیلی مفید هستند. _____
۶. میزان تحصیلات شما چند است؟ _____
۷. مشخصات خود را بنویسید. _____
۸. آن یوزپلنگ نر بودند. _____

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

● احتفال	● سختگیر
● متشدد	● جشن
● مكان الولادة	● استان
● متزوج	● متأهل
● غداء	● شاگرد
● محافظة	● ناهار
● تلميذ	● محل تولد
● شهادة علمية	● مدرک تحصیلی

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

_____ مرده	_____ نر
_____ ماده	_____ رفت
_____ ساکت	_____ زنده
_____ برگشت	_____ گوینده

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. سختگیر :
۲. بر می گردم:
۳. جشن :
۴. مشخصات:
۵. قفس:

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. در - پرندگان - نگهداری - می شوند - قفس. _____
۲. در - استان - زندگی - های - پلنگ - می کند - شمالی. _____
۳. شما - چند - سانتی متر - قد - است؟ _____
۴. موزه - چه - حیات - در - دیدید - وحش؟ _____
۵. در - پرواز - آسمان - می کنند - پرندگان - زیبا. _____

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

اصفهان یکی از _____ بزرگ و قدیمی ایران است . در این شهر _____ تاریخی فراوانی وجود دارد. مسجد امام
اصفهان از _____ قدیمی و بسیار _____ ایران و جهان اسلام است. در این شهر _____ بزرگی وجود دارد که
_____ عالی قاپو از _____ قدیمی دوره صفوی در آن بنا شده و این میدان در گذشته ورزشی سنتی _____
انجام می داده اند.

«النعوت»

توجد في الفارسية كالعربية نعوت تأتي بعد المنعوت أو الموصوف:
أمثلة:

- ١ - من كتاب كوچکی خريدم. (إشتریت كتاباً صغيراً).
- ٢ - در حياط بزرگ قدم زدیم. (تجولنا في الساحة الكبيرة).
- ٣ - زیر درخت بلند کمی استراحت کردیم. (استرحنا قليلاً تحت الشجرة الكبيرة).
- ٤ - مرد جوان شتابان آمد. (جاء الرجل الشاب مُسرِعاً).
- ٥ - دخترک زیبا در خیابان می دوید. (الطفلة الجميلة كانت تركض في الشارع).
- ٦ - خیابانهای شلوغ موجب ترافیک می شود. (الشوارع المزدحمة تسبب زحام المرور).

